

# فرهنگ و میراث طبیعی

محمد میرشکرای

پژوهشده مردم‌شناسی



انسانی و مطالعات فرهنگی  
مع علوم انسانی

طبیعت، ظرف فرهنگ و خانه بزرگ انسان است. بخش عمده‌ای از فرهنگ در رابطه با طبیعت و در جریان تلاش انسان برای سازگاری و یا چیرگی بر آن پدید آمده‌است. بررسی سنت‌ها و قرار و قانون‌های اجتماعی و آموزه‌های دینی، در آیین‌های گوناگون در سراسر جهان، نشان می‌دهد که مردمان هر روزگار، به هر آیین و راهی که بوده‌اند و به هر بن و بنیادی که باور داشته و پای‌بند بوده‌اند، با درک اهمیت طبیعت و بر پایه همین باورها، مسولانه در حفظ محیط طبیعی کوشیده‌اند، میزان و چگونگی بهروری از طبیعت، بر پایه همین باورها و آموزه‌ها، در همه جامعه‌های سنتی و در همه فرهنگ‌های بومی، بر تعادلی پایدار میان تامین نیازهای انسان و حفظ محیط‌زیست متکی بوده‌است.

دقیق‌تر فرایند فرهنگی شدن یا فرایند تقدس طبیعت و این که چگونه جلوه‌های طبیعت با فرهنگ در می‌آمیزند، در خور توجه است. طبیعت از گذرهای متفاوت در فرهنگ می‌نشیند اما به نظر می‌رسد که یکی از شاخص‌ترین آنها عرصه باورها و اسطوره‌ها باشد و به گمانم این از جهانی‌های فرهنگ است.

جانمایه باورها و اسطوره‌ها ناشناختگی و در نتیجه راز آمیختگی است و این پدیده وقتی با مشخصه‌های دیگری مثل عظمت، زیبایی، ارتباط با معیشت و جز این‌ها در می‌آمیزد، در شمار جلوه‌های ویژه رابطه فرهنگ و طبیعت قرار می‌گیرد.

با توجه به اهمیت پرداختن به رابطه موضوع این نوشته با نخستین همایش فرهنگ و میراث طبیعی که در مهر ماه ۱۳۷۸ در تبریز برگزار شد و در آن برای نخستین بار در ایران موضوع میراث طبیعی و رابطه آن با فرهنگ مطرح شد، بی‌مناسبت نیست اشاره‌ای هم به برگزاری همایش یاد شده داشته باشیم.

این همایش در شرایطی برگزار شد که موضوع آن برای بسیاری از دست‌اندرکاران فعالیت‌های فرهنگی و زیست‌محیطی، مفهوم چندان روشنی نداشت. چنین بود که از میان مجموعه مقاله‌های رسیده تعداد کمتری به موضوع میراث طبیعی با مفهوم و تعریف دقیق آن پرداخته بودند. به همین ملاحظه در دومین همایش بیشتر بر ضابطه‌های میراث طبیعی و میراث فرهنگی - طبیعی (میراث مشترک) و معرفی مصداق‌های آن‌ها پرداخته شد.

تا برگزاری دومین همایش (مهرماه ۱۳۸۴ تهران) شش سال فاصله افتاد. در این مدت پژوهشکده مردم‌شناسی که برگزار کننده هر دو همایش بود، میراث فرهنگی - طبیعی را یکی از اولویت‌های برنامه‌های پژوهشی خود قرار داد. از جمله به کوه‌ها و دریاچه‌های مقدس و دیگر جلوه‌های ورجاوند طبیعت ایران که جایگاه اسطوره‌ای و اعتقادی دارند، پرداخت. به عنوان نمونه دو کوه اسطوره‌ای دماوند و سبلان را با هدف معرفی برای ثبت در فهرست‌های میراث جهانی و برنامه مستندسازی قرار داد. در همین راستا، در نشست کوه‌های مقدس آسیا و اقیانوسیه که در ۱۳۸۰ در ژاپن برگزار شد سبلان را به عنوان مقدس‌ترین کوه ایران معرفی نمود.

#### پی‌نوشت:

۱- محمد میرشکرایی. سبلان کوه بزرگ و مقدس‌ترین کوه ایران، نشست کارشناسی یونسکو درباره کوه‌های مقدس آسیا و اقیانوسیه، واکایاما، ژاپن ۱۳۸۰ سپتامبر ۲۰۰۱

طبیعت به دو شکل، با مقوله فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند. یکی وقتی که به گونه‌ای مستقیم مورد بهره‌برداری انسان واقع می‌شود، همچون رودخانه‌ای که آب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و دشت یا مرتعی که در کشاورزی و دامپروری از آن بهره‌برداری می‌شود. دوم وقتی عنصر طبیعی، کوه و جنگل و دریا و ماه و ستاره و خورشید و رنگین کمان و جز این‌ها، خود به عنصر فرهنگی تبدیل می‌شود.

در مورد اول، میان طبیعت و فرهنگ، فقط بر هم کنش مبتنی بر رفع نیاز زیستی انسان وجود دارد، خود عامل طبیعی موضوع فرهنگ واقع نمی‌شود، بلکه شیوه استفاده‌ای که توسط انسان از آن صورت می‌گیرد مقوله فرهنگ است. اما در مورد دوم که معمولاً با تقدیس عنصر طبیعی همراه است، عنصر طبیعی ماهیت فرهنگی پیدا می‌کند و وارد عرصه‌ی فرهنگ می‌شود. در همه موارد از این گونه، آنچه عنصر طبیعی را به پدیده فرهنگی تبدیل می‌کند جریان فرهنگ ناپایدار یا فرهنگ معنوی است.

آنچه به این شکل از طبیعت، وارد فرهنگ می‌شود، از طبیعت و از انسان مایه دارد. بنابراین امری است طبیعی و فرهنگی. در این موارد عامل فرهنگی (باورها، اعتقادات، اسطوره‌ها و...) و صورت‌های رفتاری که بر پایه آن‌ها پدید می‌آیند، (آداب، رسم‌ها و مراسم و...) بار بر عامل و عارضه طبیعی می‌شوند و آن را به یک عنصر فرهنگی تبدیل می‌کنند.

این گونه پدیده‌ها را که همه از مقوله میراث فرهنگی ناپایدار معنوی هستند، بهتر است میراث فرهنگی - طبیعی بنامیم. آن بخش از میراث‌های فرهنگی پدیدار (مادی) نیز که با طبیعت همسان شده‌اند، همچون نیایشگاه‌هایی که در دامنه‌ها یا بلندی‌های کوه‌های مقدس قرار گرفته‌اند و کوه به سبب آن تقدس یافته است، از مقوله میراث فرهنگی - طبیعی هستند، زیرا جانمایه تقدس آن‌ها نه در بنا و سازه معماری، بلکه در اندیشه و اعتقادی است که در جان بنا نشسته است، و در آن صورت ذهنی است که هم می‌تواند بر آثار پدیدار انسان ساخت، چون نیایشگاه و زیارتگاه بنشیند و هم می‌تواند بر سنگ و کوه و چشمه که پدیده‌های ملموس بیرون از شمول مفهوم انسان ساخت هستند قرار بگیرد.

در ضوابط یونسکو، موضوع میراث، در سه گروه طبقه‌بندی می‌شود: میراث فرهنگی، میراث طبیعی و میراث مشترک (موافقت‌نامه حفاظت میراث جهانی، فوریه ۱۹۹۶) منظور از میراث مشترک و در کنار هم و در یک مجموعه قرار گرفتن آثار و بناهای دارای ارزش میراث فرهنگی، با آن دسته از پدیده‌های طبیعی است که بر اساس ضوابط یونسکو، میراث طبیعی به شمار می‌آیند.

در اینجا مناسبات و بر هم کنش فرهنگ و طبیعت و یا به بیان